

آغاز یک پرواز

بتول جانقزا (ب پرنده)

جویل
۱۳۸۶

سرشناسنامه : جانفزا، بتول، ۱۳۶۷
عنوان و پدید آور : آغاز یک پرواز / بتول جانفزا (ب. پرنده).
مشخصات نشر : یاسوج، چویل، ۱۳۸۵،
شابک : ۵۴۰۲-۷۹۳۰-۹۶۴
یادداشت : فیبا
موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴.
رده بندی کنگره : ۱۳۸۵ ۱۶/۸۱۵۴ الف / ۸۰۰۳ p
رده بندی د.ریبی : ۸۶۲/۱
شماره کتابخانه ملی : ۳۵۷۷۲ م ۸۵



آغاز یک پرواز

مؤلف : بتول جانفزا

ناشر: چویل

حروفچینی : بارئد رایانه یاسوج

لیتوگرافی - چاپ و صحافی پارسیان - تلفن ۲-۲۲۳۳۸۹۱-۰۷۴۱

قطع : رقعی سال نشر : ۱۳۸۶

تیراژ : ۵۰۰۰ جلد

شابک : ۵۴۰۲-۷۹۳۰-۹۶۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	انتظار.....
۱۲	باز خندیدم.....
۱۴	حقیقت.....
۱۵	تیک تیک ساعت.....
۱۶	باید.....
۱۷	هیچ کس نخواهد مرد.....
۱۸	مردم شهر.....
۱۹	خیال.....
۲۱	مرگ.....
۲۲	لاله.....
۲۴	کجاست او.....
۲۵	انتظار.....
۲۶	صداقت.....
۲۷	امید گل کوچک.....
۲۹	سنگی با دل آینه ای.....
۳۰	سخن چشم.....
۳۲	دلی که گرفت سخت درمان می شود.....
۳۳	وقتی زندگی آغاز شد.....
۳۴	سراب.....
۳۵	در میان سیاهی.....
۳۶	گریزان از خورشید.....
۳۷	نکنید و بکنید.....
۳۹	پرنده باید آزاد بماند.....
۴۰	کودکی بعد از مردی.....
۴۲	خراش پا.....
۴۳	در انتها پیدا بود.....
۴۴	پرینس پرنده.....

۴۵	شب ساکت و سرد
۴۶	حادثه ای در سرنوشت
۴۸	سخن گل
۵۰	خواب
۵۱	جواب
۵۲	مسافر
۵۳	ترس
۵۴	صدا
۵۶	زندگی
۵۷	هدیه
۵۹	حکایت
۶۰	عقب
۶۱	چرا
۶۲	زالال
۶۳	باران
۶۴	او
۶۶	جوی آب
۶۷	هرگز
۶۸	زمان
۷۰	شب
۷۲	همه چیز و هیچ چیز
۸۱	ایمان
۸۳	قفقاس
۸۴	من مثل چی
۸۵	بچه های باران
۸۶	خنده
۸۸	طاعون
۹۱	وادی احساس
۹۳	ما چهار تا

- ۹۶ شعر امشب
- ۹۸ تالاب
- ۱۰۰ جنگ درون
- ۱۰۲ نکند به گفته‌ی سهراب
- ۱۰۴ جایگه ابدی تا ابد
- ۱۰۵ ؟
- ۱۰۷ او رفت و دگر نیست
- ۱۰۹ طفل شب
- ۱۱۱ امروز
- ۱۱۵ ؟؟
- ۱۱۶ باهم
- ۱۱۷ مثل خوبیهای
- ۱۱۸ همزاد
- ۱۱۹ ترانه
- ۱۲۰ دیوانه
- ۱۲۱ ای پاک تو
- ۱۲۲ نگاه تو
- ۱۲۳ اگر
- ۱۲۴ تو را نیز
- ۱۲۵ من
- ۱۲۶ باش با من
- ۱۲۷ باور
- ۱۲۸ می داند اما چرا
- ۱۲۹ دور شو
- ۱۳۰ حیات
- ۱۳۱ خودمن
- ۱۳۲ دام
- ۱۳۳ فقط
- ۱۳۴ خسته

۱۳۵	چرا.....
۱۳۶	ملکه.....
۱۳۷	با تو.....
۱۳۸	بگو با من.....
۱۳۹	کجا.....
۱۴۰	بیا.....
۱۴۱	مثل چه هستی.....
۱۴۲	برای او.....
۱۴۳	تو هستی.....
۱۴۴	ویران.....
۱۴۵	ساختن.....
۱۴۶	فرمانروا.....
۱۴۷	دیروز تو.....
۱۴۸	دفتر نام تو.....
۱۴۹	فانوس یا که گل.....
۱۵۰	عشق به تو یعنی.....
۱۵۱	دوتا.....
۱۵۲	ندیدن اما خواستن.....
۱۵۳	زودتر.....
۱۵۴	فردا.....
۱۵۵	بدون من می پریدی.....
۱۵۶	غربت به از آشنای بد.....
۱۵۶	اگر از دریاری ناآشنا بوی غربت را شنیدی.....
۱۵۷	مثل عبور و حضور.....
۱۵۸	مرغ سکوت.....
۱۵۹	بی تو.....
۱۶۰	بیا تا.....
۱۶۲	بگذار.....
۱۶۲	تو هستی.....

مقدمه :

به نام خدا، فدایی که در آن فاصله های دور اما به نزدیکی یک سلام مرا یاری می نماید، فدایی که در واپسین لمظات امید تازه ترین زندگی را به من می بخشد دستان بی اراده ام را اراده و توان بخشید.

همشمان فسته ۱ مرا به دیدار زیباترین چشم اندازها برد، ذهن کوچکم را به سوی ناب ترین و مجسم ترین واژه ها برد.

فدایی که در تمام ثانیه ها مرا یاری می نماید، اوست که به من می فهماند که چگونه بلویسم و چگونه مرزهای ذهن کوچکم را روی دفتر بزرگ آرم هر ثانیه ای از زندگی مرا برایم فانوسی روشن قرار داد تا در سیاهی دنیا نمانم فورشید را گفت که ماه را برایم نور دهد تا در شب تاریک از آن احساس بگیرم هر مقدر بلویسم باز باید بلویسم فاصله و گزیده می نویسم به نام خداوند تمام مهربانی ها و شادی ها.

شما خواننده ی عزیز کتابی را که می خوانید چون اولین کتاب من است از غطا و اشتباه سالم نیست که ممکن است خود به آن پی نبرده باشم لذا شما که به آنها پی می برید مرا ببخشید . انشاء الله اگر خدا توفیق داد در کتابهای بعد سعی و تلاش خود را برای بدون غطا بودن کتاب به کار می گیرم.